



۱۴

دقیق ضد عفونی کن!

در لرستان، صنایع و واحدهای اقتصادی، حال و روز خوبی ندارند؛ این گزارش دلایل این اتفاق را بررسی می‌کند

تعطیلات کاری!



۱۶

۱۳
جامعه

زندگی
پنجشنبه ۲۳ مرداد ۱۳۹۹: شماره ۵۷۳۰



خدا حافظ پراید
سلام شاهین

۱۵



حق با
شماست

info@amejamedaily.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۱۴۷

#آب فاضلاب

يك شهروند:

هزینه دفع فاضلاب با هزینه مصرف آب شهروندان یکسان شده است، چرا؟ بهتر نیست برای رعایت حقوق شهروندی، کنترل مخصوص دفع فاضلاب در منازل نصب شود؟

#ارز-محدودیت

يك شهروند:

بهر است مسئولان کشور با توجه به محدودیت‌های صادرات نفت، به جای ارز، کالاهای قابل معامله بین‌المللی دریافت کنند، چرا که علاوه بر تأمین کالاهای داخلی، بازار فروش بین‌المللی خوب آن نیز به سود کشور است.

#شکر-دولتی

فکری از تهران:

قیمت شکر افزایش بسیاری داشته است و دیگر شاهد توزیع این کالا به قیمت دولتی نیستیم.

#شهریه-مدارس

ثابت از تهران:

به علت افزایش شهریه مدارس غیرانتفاعی، مدارس دولتی پذیرای دانش‌آموزان بسیاری شده و ظرفیت ثبت‌نام ندارند.

#گرانی-روانشناسی

ابراهیمی از تهران:

رئیس سازمان نظام روانشناسی گفته نیاز مردم به خدمات مشاوره در دوره کرونا بیش از دو برابر شده است. اما در این شرایط هنوز هم تعرفه‌های روانشناسی بسیار گران است و شرکت‌های بیمه هم زیر بار بیمه کردن این خدمات نمی‌روند.

جوابیه

در پی درج پیامی در روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۲۱ با عنوان «ارائه تسهیلات خرید موتورهای برقی به شهروندان» مدیر روابط عمومی معاونت حمل و نقل و ترافیک شهرداری شهر تهران با ارسال نامبری اعلام کرد، شهرداری تهران در ادامه سیاست‌ها و راهکارهای خود در جهت کاهش آلودگی هوای تهران به خریداران دوچرخه‌های معمولی و موتورسیکلت‌های برقی تسهیلاتی ارائه می‌دهد که به خریداران دوچرخه‌های معمولی حداکثر دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان و برای دوچرخه‌های برقی پنج میلیون تومان که ۸۰ درصد قیمت دوچرخه تسهیلات ارائه می‌دهد و برای خرید موتورسیکلت‌های برقی تا ۱۳ میلیون و ۴۰۰ درصد می‌دهد که اولویت با کسانی است که از طریق موتورسیکلت امرار معاش می‌کنند همچون پیک موتوری‌ها که تردد بیشتری در سطح شهر دارند از این تسهیلات بهره‌مند می‌شوند.



معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان، از علت ناتوانی معاونت متبوع خود در حل مشکلات اساسی جوانان می‌گوید

مارا جدی نمی‌گیرند



محمدحسین خودکار

جامعه

سه سال است که بر صندلی معاونت امور جوانان وزارت ورزش تکیه زده و خودش عملکردش را در این سمت موفق می‌داند. چرا که معتقد است هر کاری که از دستش برمی‌آمده، انجام داده است، اما چون اختیارش محدود بوده، نتوانسته است کارهای بیشتری را برای نسل جوان انجام دهد و از این لحاظ خود را شرمندۀ جوانان می‌داند. او می‌گوید مشکلات اقتصادی این روزهای نسل جوان رادرك می‌کنند و به نظرش در شرایط فعلی برخی جوانان حق دارند خود را نسل سوخته بدانند. او همچنین تأکید دارد که برخی ناهماهنگی‌ها و البته وعده‌هایی که مسئولان به جوانان داده‌اند، آنها را دچار ناامیدی کرده است.

محمد مهدی تندگویان، معاون ۴۶ ساله امور جوانان وزارت ورزش می‌گوید مشکل اصلی معاونت تحت مدیریت او این است که سقف پروازش کوتاه است و خیلی از نهادها چندان عتاب و خطاب‌هایشان را جدی نمی‌گیرند. آن‌قدر که یکی از دستگاه‌های دولتی که قرار بوده از ابتدای حضور او در این معاونت نتایج طرح آمایش سرزمین برای اشتغال‌زایی را به معاونت جوانان تحویل دهد، هنوز هم این طرح را به آنها نداده و هرچه تندگویان از آن دستگاه به نهادهای بالادستی گله کرده، راه به جایی نبرده است. تندگویان البته زیر بار گلایه‌هایی که از معاونت خودش می‌شود نیز نمی‌رود و مثلاً هرچه به او می‌گویند شما نتوانسته‌اید سازوکاری را برای پرداخت وام ازدواج ایجاد کنید که مانع رفتارهای سلیقه‌ای بانک‌ها شود، قبول نمی‌کند.

در دوره حضور سه‌ساله شما در معاونت امور جوانان وزارت ورزش و جوانان به صورت کلی چه اقداماتی انجام شده است؟

ما در سه سال گذشته تلاش کرده‌ایم که در چهار بخش به مسائل جوانان رسیدگی کنیم. بخش اول مربوط به ساماندن سمن‌های حوزه جوانان و جلب مشارکت این قشر در فعالیت‌های اجتماعی است و در بخش دوم هم ساماندن امور مربوط به ازدواج جوانان و آموزش‌های پیش از ازدواج انجام می‌شود. همچنین در بخش سوم امور مربوط به ستادهای جوانان کل کشور و سیاست‌گذاری‌های کلان مربوط به این قشر پیگیری می‌شود و بخش چهارم نیز مربوط به پیگیری طرح‌های ملی جوانان در حوزه‌های رفع آسیب‌های اجتماعی، حمایت از استارت‌آپ‌ها و ایجاد مشاغل کوچک است. در همین بخش آخر نیز با وجود آن که اشتغال‌زایی جزو وظایف معاونت جوانان نیست، ولی ما نتوانسته‌ایم با پرداخت وام‌های اشتغال‌زایی حدود ۷۰۰۰ شغل برای جوانان روستایی و فعالان سمن‌ها ایجاد کنیم. ضمن این‌که ما در بحث تشکلهای مربوط به جوانان نیز علاوه بر افزایش کمی تشکلهای، شبکه‌هایی تخصصی را در حوزه رفع آسیب‌های گوناگون اجتماعی از تشکلهای جوانان موجود در سطح کشور ایجاد کرده‌ایم.

اما این اقدامات ربط مستقیمی به حل معضلات واقعی جوانان ندارد. شما برای حل مشکلاتی مانند مسکن یا اشتغال این قشر در سطح کلان چه اقداماتی انجام داده‌اید؟

انجام کارهای اجرایی در این حوزه‌ها به نهادهای دیگری مربوط می‌شود و وظیفه ما در این زمینه بررسی مشکلات مختلف مربوط به جوانان و پایش اقدامات دستگاه‌ها در حل مسائل مربوط به آنهاست. اما متأسفانه مشکل اصلی اینجاست که گزارش‌های ما به نهادهای بالادستی روی کاهش اعتبارات دستگاه‌هایی که عملکرد نامناسبی در حوزه جوانان دارند، هیچ تأثیری نمی‌گذارد.

آیا می‌دانید این روزها بیشتر جوانانی که در آستانه ازدواج قرار دارند، باید حداقل روزی ۱۲ ساعت کار کنند و بیشتر آنها آینده روشنی را نیز پیش‌روی خود نمی‌بینند؟

می‌دانم که اکنون جوانان ما با مشکلات اقتصادی زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند، اما باید توجه داشته باشیم

که این روزها میزان تعهدپذیری جوانان، مهارت حضور آنها در اجتماع و باورشان نسبت به توانایی‌هایشان نیز به شدت پایین آمده است. ریشه این مساله هم به سست شدن بنیان‌های خانواده بازمی‌گردد و هم به وعده‌هایی که جوانان از مسئولان شنیده‌اند. حاصل همه این مسائل نیز شده است شکل‌گیری نسل جوانی که بیشتر آنها فاقد مهارت‌های لازم برای زندگی اجتماعی هستند؛ البته من اعتقاد دارم اگر ما در نظام آموزشی مان، ۴۰ تا ۵۰ درصد زمان را برای مهارت‌آموزی اختصاص می‌دادیم، جوانان ما از همان سنین پایین به خودباوری می‌رسیدند. اما متأسفانه ما هم از مهارت‌آموزی غافل شده‌ایم و حرف‌های نادرست زیادی به جوانان گفته و در آنها ناامیدی‌های زیادی ایجاد کرده‌ایم.

در این شرایط به نظر شما راه حل تغییر این حال بد جوانان چیست؟

ما هم زمان باید چند اقدام را انجام دهیم: نخست تغییر در نظام آموزشی، بعد تحول در بحث‌های مهارت‌آموزی و سپس حذف مدرک‌گرایی از اجتماع و سوق دادن جوانان به سمت مشاغل مهارتی؛ البته من معتقدم چون این روزها اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور دچار نابسامانی‌های زیادی شده است، برخی جوانان حق دارند خودشان را نسل سوخته بدانند و الان هم اگر در چنین وضعیتی، واقعاً دیگر نمی‌توانیم به داد بخش زیادی از این نسل برسیم. همچنین اعتقاد دارم که در سال‌های اخیر برخی ناهماهنگی‌ها، توزیع ناعادلانه اعتبارات و بررسی نکردن امکانات موجود در کشور باعث ظلم به جوانان شده است. به طور مثال، به سه سال است که از یک دستگاه دولتی می‌خواهم به معاونت ما نتایج تحقیق درباره آمایش سرزمینی اشتغال در کشور را تحویل بدهد تا ما بر مبنای آن برای اشتغال‌زایی در مناطق مختلف سیاست‌گذاری کنیم، اما هنوز نتیجه این تحقیق را به من تحویل نداده‌اند.

آیا شما این موضوع را به نهادهای بالادستی مثل دفتر ریاست جمهوری یا سازمان بازرسی کشور انتقال داده‌اید؟

اتفاقاً ما گزارش این اتفاق را به نهادهایی که شما نام بردید ارائه داده‌ایم، اما نکته اینجاست که گاهی برخی سازمان‌های نظارتی کشور به ما می‌گویند حالا که آن دستگاه اجرایی این کار را انجام نداده است، اجازه دهید ما شرایط مناسب را برای شما فراهم کنیم تا شما این تحقیقات را انجام دهید. یعنی به جای این‌که با آن نهاد کم‌کار برخورد کنند، از ما می‌خواهند با اعتبارات محدودمان وظایف آن دستگاه را انجام دهیم.

چرا نهادهای نظارتی با آن دستگاه کم‌کار به صورت قاطع برخورد نمی‌کنند؟

چون اساساً یکی از مشکلات ما این است که در اغلب موارد هیچ نهادی با کسانی که در انجام وظایفشان کوتاهی می‌کنند، برخورد نمی‌کند. حداقل من تا حالا

ندیده‌ام که کسی در این کشور مدیری را به خاطر این‌که هیچ عملکرد مثبتی نداشته است، به دادگاه بکشاند. **باتمام این صحبت‌ها، آیا عملکرد خودتان در این سه سال را موفق می‌دانید؟**

بله، دلیل آن هم کارهایی است که در این مدت انجام داده‌ام. سه سال پیش، وقتی اینجا به من پیشنهاد شد، تمام اطرافیانم توصیه کردند که این سمت را قبول نکنم؛ زیرا اختیار این معاونت محدود است و اعتبارات آن نیز بسیار اندک، ولی من پیش خودم گفتم، اگر من هم به این معاونت نیایم و تکانی به اینجا ندهم، چه اتفاقی رخ خواهد داد؟ البته این حرف‌ها متی بر کسی نیست و من هر کاری را که انجام داده‌ام، وظیفه‌ام بوده است.

اما اکنون شرایط کشور طوری است که بسیاری از جوان‌ها یعنی قشری که حل مسائل‌شان وظیفه اصلی شماست، با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند.

من چون هر آن چیزی را که در توانم داشته‌ام، برای این معاونت گذاشته‌ام، نگران پاسنگویی به وجدانم نیستم، ولی خیلی شرمندۀ جوان‌ها هستم. برای این‌که دلم می‌خواست همه ایده‌هایی را که از روز اول در ذهنم داشتم، بتوانم به سر منزل مقصود برسانم، ولی وقتی به دل کار آمدم، دیدم یا نمی‌شود یا اجازه نمی‌دهند که من ایده‌هایم را به ثمر برسانم و اساساً سقف این معاونت آن‌قدر کوتاه است که به نظر خیلی‌ها، من نمی‌توانستم بیشتر از این کاری انجام بدهم. روز اولی که من وارد این معاونت شدم، اعتبار تخصیص یافته به آن برای کل کشور فقط ۱۶ میلیارد تومان در سال بود، ولی من در این سال‌ها آن قدر با سازمان برنامه و بودجه، وزارتخانه خودمان و نمایندگان مجلس جنگیدم تا نتوانستم اعتبارات پیش‌بینی شده برای این معاونت را در سال ۹۹ به ۳۶ میلیارد تومان برسانم. همچنین مادر این سه سال در کنار افزایش اعتبارات، نتوانسته‌ایم هم اشتغال ایجاد کنیم و هم شبکه‌سازی مناسبی در سطح کشور انجام دهیم و حداقل مقداری امید به بخشی از جامعه جوان تزریق کنیم.

انان بعضی از جوانان نگاه مثبتی به آینده ندارند.

بله، من این را قبول دارم و بازهم می‌گویم که شرمندۀ نسل جوان هستم. آن هم به این دلیل که وقتی عملکرد خود را با کارهایی

نهاد کم‌کار بر خور کردند، از ما می‌خواهند با اعتبارات انجام می‌دادیم، مقایسه می‌کنم، می‌بینم هنوز هم عقب‌سستم.



هر روز باید با کرونا در سطح جامعه دست و پنجه نرم کنند.

پادشاهت،
دکتر محمدحسین
تقدیسی
رئیس انجمن آموزش
بهداشت و ارتقای سلامت

شیوع کرونا با
ناهماهنگی

اکنون بیش از یک ماه از اجباری شدن استفاده از ماسک می‌گذرد اما هنوز هم شاهد آمار نسبتاً بالای فوتی‌های روزانه این بیماری در کشورمان هستیم. این مساله نشان می‌دهد صرفاً وضع مقررات نمی‌تواند باعث پابند کردن مردم به ضوابط بهداشتی شود و ما باید از همان اسفند که همه‌گیری کرونا در کشورمان آغاز شد، در اطلاع‌رسانی خود درباره دستورالعمل‌های لازم برای پیشگیری از ابتلا به کووید-۱۹ به گونه‌ای عمل می‌کردیم که مردم این دستورالعمل‌ها را به عنوان بخشی از سبک زندگی خود می‌پذیرفتند تا دیگر شاهد کاهش شدید رعایت پروتکل‌ها در ماه‌های اردیبهشت و خرداد در سطح جامعه نباشیم. البته در این میان، ما در زمینه کنترل کرونا به موفقیت‌های مقطعی نیز دست پیدا کردیم و در ماه‌های اول همه‌گیری این بیماری بخش زیادی از مردم به ضوابط بهداشتی لازم برای پیشگیری از ابتلا به کرونا پابند بودند.

اما متأسفانه توجه بالای شهروندان به رعایت پروتکل‌ها دوام زیادی نداشت و علت اساسی آن نیز ناهماهنگی دستگاه‌ها در تدوین و اجرای مقررات مربوط به کرونا و ضعف سیستم نظارتی نهادهای عمومی بر شیوه اجرای دستورالعمل‌ها در دوره بازگشایی‌های اولیه بود. از سوی دیگر، رسانه‌های ما نیز در این دوره نتوانستند مدل روزهای اول توجه مردم را به لزوم رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی جلب کنند. بر اثر این اتفاقات نیز اکنون شاهد آن هستیم که همچنان بخش زیادی از شهروندان از همین ماسک زدن ساده نیز پرهیز می‌کنند و این مساله نشان می‌دهد نحوه اطلاع‌رسانی رسانه‌ها و نهادهای دولتی متولی کنترل همه‌گیری کرونا آن‌قدر مطلوب نبوده است که همه آحاد جامعه لزوم استفاده از ماسک را باور کنند. البته بخشی از بار تقصیر بی‌توجهی گروه‌هایی از شهروندان به پروتکل‌های بهداشتی بر دوش نهادهایی است که در تنظیم مقرراتی مثل اجباری بودن استفاده از ماسک، هماهنگی با یکدیگر عمل نکردند و نتوانستند ساز و کارهای نظارتی مناسبی برای اجرایی شدن این مقررات تعریف کنند. در این شرایط، خود مردم نیز موظفند رعایت پروتکل‌های بهداشتی را از همه بخش‌های دولتی و خصوصی مطالبه کنند و اگر دیدند یک واحد صنفی یا نهاد عمومی به ضوابط تعیین شده پابند نیستند، حتماً مراتب را به دستگاه‌های متولی گزارش کنند. اما متأسفانه زیرساخت‌های همین نظارت مردمی هم به نحو مطلوبی در کشورمان شکل نگرفته است و به جز ایجاد چند سامانه که اغلب شهروندان آن را نمی‌شناسند، ساز و کار مناسبی برای تقویت نظارت مردمی در سطح جامعه در نظر گرفته نشده است. در نهایت نیز چوب این ناهماهنگی‌ها سیستم نظارتی دستگاه‌های متولی بر شیوه اجرای پروتکل‌های بهداشتی را مردمی می‌خوانند که هر روز باید با کرونا در سطح جامعه دست و پنجه نرم کنند.